

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هفتم، شماره هجدهم، زمستان ۱۴۰۰، ص ۵-۲۲

بررسی سیاست کیفری در خصوص کاهش مجازات حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۹^۱

محمد موسائی^۲

چکیده

امروزه مجازات حبس در اغلب کشورهای جهان، مثابه مجازات اصلی با هدف اصلاح و درمان و بازاجتماعی کردن، نسبت به بزهکاران اعمال می شود اما هم اکنون این مجازات اگر در موارد اندکی توانسته هدفهای اصلاحی و بازپذیری مجازات‌ها را برآورده نماید، ولی در اغلب موارد موفق نبوده است و خود جرم‌زا بوده و موجب تکرار جرم در سطح جامعه و خطرناک‌تر کردن مجرمان با درجه جرم‌زایی بیشتر در جامعه شده است. اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل آسیب‌های ناشی که موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها شده است، دست اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا استفاده از مجازات را تا حد امکان محدود نماید. بر این اساس، با توجه به اینکه قانون مجازات موادی را در راستای مجازات جایگزین مقرر نموده است، ولیکن تابحال به علت کاستی و نقص از کارآیی بسزایی برخوردار نبوده است. بر این اساس، قانون کاهش حبس تعزیری با هدف کیفر زدایی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۴ به تصویب رسید. این قانون، ضمن کاستن از مجازات (نه فقط زندان) برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزینهای حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه‌های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاهها را تغییر داد.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، کاهش، مجازات، حبس

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.

سیاست کیفری، بنیان کلیدی تنظیم قوانین کشور می‌باشد. ضرورت اصلاح در سیاست‌ها بیش از آنکه در سیاست‌های اقتصادی یا خارجی دولت باشد، کیفری حکومت است. زیرا فلسفه حاکم بر این سیاست‌هاست که به نوعی در سیاست‌های دیگر نیز انعکاس می‌یابد. هر حکومتی و جامعه‌ای لزوماً باید دارای سیاست کیفری تعریف شده و کارآمدی باشد. سیاست کیفری برنامه ریزی و چاره اندیشی برای جرم از طریق کیفر است و البته منظور از کیفر مجازات‌ها به تنهایی نیست، بلکه نظام تضمین‌های کیفری در مقابل جرم انگاری می‌باشد.

از زمانی که مجازات حبس به عنوان یکی از اصلی‌ترین مجازات‌ها به زرادخانه کیفری اضافه شد، و آزادی تن به عنوان یک‌یاز اصلی‌ترین حقوق اولیه انسان موضوع محدودیت ناشیاز کیفر قرار گرفت آثار منفی این کیفر همواره مورد توجه کیفرشناسان و جرم‌شناسان بوده است. یکی از این آثار منفی، عدم توجه به اصلی شخصی بودنکیفر و آثار سوء این مجازات بر خانواده محکوم است. همچنین اصلاح و درمان یه عنوان یک‌یاز مهم‌ترین کارکردهای این مجازات، با تردیدهای جدی مواجه شد. تجربه نشان می‌دهد که ارتکاب مجدد جرم به صورت حرفه‌ای بیشتر توسط افرادی که دارای سابقه زندان بوده اند اتفاق می‌افتد. و این مجازات نه تنها موجب بازپرویی مجرمان نمی‌شود بلکه در انتقال فرهنگ بزهکاری مجرمان تازه کار و تبدیل آنان به مجرمان حرفه‌ای نیز موثر بوده است. باتوجه به افزایش پرونده‌های کیفری و افزایش شمار زندانیان در سالهای اخیر و مشکلات اقتصادی و اجرایی ناشی از اداره زندان و تحمیل هزینه‌های کلان آن به بودجه عمومی موجب شد که حبس زدایی در دستور کار قانونگذاران قرار گیرد. نهایتاً قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ تصویب و مقرراتی را در جهت کاهش مجازات حبس تعزیری مقرر نمودند. در این تحقیق برآنیم که به بررسی سیاست کیفری در خصوص کاهش مجازات حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۹ بپردازیم و تمام ابعاد آن را بررسی نماییم.

مفاهیم

سیاست کیفری

سیاست به طور مختصر و ساده عبارتست از درک، تدبیر و اداره مسایل و امور جامعه، بدین سان سیاست جنایی از یک سو با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر، با عملی ساختن یک استراتژی (راهبرد) به منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری یا کژروی (انحراف)، در ارتباط است. اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط آنسیلم فون فوئر باخ (Anselm von Feuerbach) در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شد از نظر او سیاست جنایی «مجموعه شیوه‌های سرکوب گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد» می‌باشد.

مجازات حبس

حبس در لغت به معنای زندانی کردن، نگه داشتن در مکانی و منع کردن از خروج، آمده است (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶). در فرهنگ نفیس (نفیسی، ۱۳۵۵، ص ۱۲۰۳) و لغت نامه دهخدا (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۷۵۶۹) حبس به معنای زندانی نمودن، زندان، توقیف و دربند بستن آمده است، چنانچه در فرهنگ عربی المنجد نیز حبس، منع کردن و احاطه ساختن چیزی به چیز دیگر معنا گردیده است (معلوف، ۱۳۶۲، ص ۱۱۴).

اهداف مجازات حبس

در گذشته هدف از اجرای مجازات انتقام جویی از فرد مجرم و خانواده و قبیله او بود، ولی با گذشت زمان اهداف مجازات‌ها نیز تغییر یافت و جلوگیری از انتقام شخصی توسط زیان دیدگان از جرم و ایجاد نظم، امنیت و آرامش عمومی در جامعه بعنوان هدف اصلی کیفر مد نظر قرار گرفت و در این راستا اعمال مجازات‌های سنگین و وحشتناک به عنوان حربه‌ای کارساز مورد توجه بود.

به مرور زمان ضمن توصیه به ملایمت کیفرها اهداف دیگری نیز از اجرای مجازات مدنظر قرار گرفت که عبرت آموزی دیگران، جلوگیری از تخریب مجرمین و تناسب بین جرم ارتكابی و کیفر تعیین شده از جمله این اهداف بشمار می رفتند. البته امروزه اهداف مجازاتها گستره وسیع تری یافتند.

مهمترین هدف از اجرای هر کیفری، استقرار نظم و امنیت در جامعه و مقابله با جرایم می باشند سایر اهدافی که بر اجرای مجازات مترتب است. در مقایسه با هدف فوق از اهمیت کمتری برخوردار است. بدیهی است برای جلوگیری از تجاوز به حقوق مردم و ایجاد ثبات و نظام در جامعه، مقابله با جرایم و متجاوزین به حقوق مردم و متخلفین از قوانین از ضروریات غیر قابل انکار است و بدون اتکا به این اهرم امکان استقرار نظم و امنیت و مقابله با بزهکاری وجود ندارد(محمدی، ۱۳۸۴، صص ۸۴-۸۳).

اهداف مجازاتها را می توان در یک هدف عینی یعنی اصلاح و تربیت بزهکار و نتیجتاً پیشگیری از جرم به شکل خاص نسبت به مجرمان و شرکاء و معاونان آنها و به شکل عام نسبت به جامعه و یک هدف ذهنی یعنی اجرای عدالت خلاصه کرد(نوربها، ۱۳۸۶، صص ۲۵۴).

مزایای مجازات حبس

مجازات زندان کیفر معمول در دوره معاصر است و با وجود زیان هایی که این مجازات دربردارد، هنوز جانشین مناسبی برای آن یافت نشده است که در عین عاری بودن از زیانهای کیفر زندان، سایر ویژگی های آن را داشته باشد. گفته می شود که مجازاتی با این ویژگیها وجود ندارد. مجازات زندان افزون بر بازدارندگی عام، هزینه کمتری داشته و دفاع اجتماعی را بویژه در جرم های مهم به خوبی فراهم می کند. این مجازات جبران مناسبی در برابر بزه ارتكابی است. از سوی دیگر مجازات های جانشین زندان این ویژگیها را نداشته و از نظر هزینه نیز گاهی پرهزینه تر از مجازات زنداناند. بر این پایه نظامهای کیفری هنوز جسارت الغاء و کنارگذاری کامل این

مجازات‌ها را نیافته‌اند. فقط اقدام‌هایی برای پرهیز از اعمال بی‌رویه این مجازات و پذیرش جانشین‌هایی برای جرم‌های کم‌اهمیت‌تر صورت گرفته است. ولی به طور معمول، این مجازات‌ها جایگاه عمده‌ای را در مجموعه‌ی مجازات‌ها به خود اختصاص دادند (داودی گرمارودی، ۱۳۸۵، ص ۴۸).

«در میان دانشمندان حقوق جزا و جرم‌شناسان، مجازات زندان به عنوان حربه‌ای پرترفدار قلمداد نمی‌شود. بنیان‌گذاران جرم‌شناسی بویژه آنریکوفری که مخالف سرسخت رژیم سلولی زندان بود و به طور کلی با کیفر مخالفت کرد و در این مورد جمله معروفی دارد: مجازات که به نظر جرم‌شناسان کلاسیک و قانونگذاران و مردم نوش‌دارویی سهل‌الوصول برای مبارزه با جرم تلقی می‌شود، قدرتی محدود دارد.» (پی ناتل، ۱۳۶۵ به نقل از: حوزه ریاست قوه قضائیه، سال ۸۷، ص ۲۷).

عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که در دنیا این نظریه وجود دارد که حبس بهترین نوع مجازاتی است که تاکنون بشریت به وجود آن آگاه شده است و تا زمانی که نتوان کیفر مناسب‌تر از حبس معرفی کرده، باید از آن بعنوان تأمین‌کننده بیشترین هدف‌های کیفری استفاده شود و در نهایت باید در اصلاح زندان کوشید تا تغییر نوع کیفرها (آخوندی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱).

مجازات حبس و عوامل ناکارآمدی آن

امروزه زندان به عنوان مهم‌ترین مجازات موجود در اختیار دولت‌ها و قوانین کیفری در رسیدن به اهداف خود به ویژه اصلاح و درمان و بازسازی مجرم ناکام مانده است به همین دلیل، جایگزین‌هایی مناسب برای کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند تا اینکه این جایگزین‌ها بتوانند اثرات زیانبار کیفر حبس را از بین برده یا اینکه از آن اثرات بکاهد (آشوری، ۱۳۸۲، صص ۷-۹).

این دلایل بخشی مربوط به اهداف کیفر حبس بوده و بیانگر این امر می‌باشد که کیفر حبس نتوانسته اهداف موردنظر از جمله اصلاح و درمان و ارباب و بازدارندگی را برآورده نماید. بخشی از این دلایل مربوط به نفس کیفر حبس و شیوه اجرای آن می‌باشد.

زندان به دلیل ماهیت خاص خود موجب محرومیت زندانیان از نیازهای اساسی‌شان می‌شود(معظمی،

۱۳۸۵، ص ۶۷)

با توجه به عیب‌های این مجازات و مشکلات اقتصادی، جرم‌شناسی، بهداشتی و انسانی آن طی دهه‌های اخیر کوشش شده تا با انسانی و متنوع کردن چگونگی اعمال مجازات زندان و استفاده از جانشین‌های زندان، مجرمان را اصلاح کرده و به زندگی سالم اجتماعی بازگردانند(معظمی، ۱۳۸۵، صص ۶۸-۶۷).

البته می‌توان اینگونه استنباط کرد که مشکلات مربوط به شرایط حاکم بر محیط زندان(هزینه‌های اقتصادی، جرم‌زا بودن محیط زندان و مشکلات بهداشتی و روانی) به مشکلات از نوع اول(مربوط به نارسایی در اهداف) دامن می‌زنند و این مشکلات اخیر باعث می‌شوند که کیفر حبس نتواند رسالت و اهداف موردنظرش را تأمین نماید. به عنوان مثال، جرم‌زا بودن محیط زندان، کمبود فضا و تراکم جمعیت باعث شکست برنامه اصلاح و درمان در زندان می‌باشند.

چرایی مجازات‌های جایگزین حبس و ساز و کارهای آن

هر چند مجازات زندان از عهد کهن و باستان وجود داشته است، به دلیل استفاده محدود و جزئی از آن نمی‌تواند در ردیف مجازات‌های شایع آن اعصار تلقی شود؛ اما زندان با گذشت زمان به تدریج بعنوان مجازات وارد زرادخانه‌ی کیفری شد. در ابتدا، جانشینی مجازات زندان، با وجود وضعیت نامناسب و رقت بار زندان، بجای

مجازاتهای شدید بدنی بسیار امیدوار کننده بود. ولی، به مرور اصلاح طلبان اجتماعی در جهت بهبود شرایط نامطلوب و وضعیت وخیم آن اقدامهای مهمی انجام دادند(آشوری، ۱۳۸۲، ص ۵).

امروزه مجازات حبس در اغلب کشورهای جهان، مثابه مجازات اصلی با هدف اصلاح و درمان و بازاجتماعی کردن، نسبت به بزهکاران اعمال می شود اما هم اکنون این مجازات اگر در موارد اندکی توانسته هدفهای اصلاحی و بازپذیری مجازاتها را برآورده نماید، ولی در اغلب موارد موفق نبوده است و خود جرمزا بوده و موجب تکرار جرم در سطح جامعه و خطرناکتر کردن مجرمان با درجه جرمزایی بیشتر در جامعه شده است(گودرزی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲-۱۰۸).

به دنبال شکست جرم شناسی اصلاح و درمان و جرمزا بودن زندان، هزینه های اقتصادی زیاد آن و تراکم جمعیت کیفری زندانیان و غیره زمینه هایی در جهت باز اندیشی مجازات حبس از سوی کشورهای مختلف و به دنبال آنها نهادهای بین المللی از قبیل سازمان ملل متحد (بعنوان مثال مقررات توکیو) و شورای اروپا انجام شده است که در مورد حبس سعی شده است از آن بعنوان آخرین حربه استفاده شود و نیز به تدریج جایگزین های آن توسعه یافتند(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۴).

در مقررات ایران

مهمترین مرحله توسعه تدابیر جایگزین حبس، تجلی آن در سیاست جنایی تقنینی کشورهاست. در واقع با رسمیت یافتن این تدابیر در نظام کیفری ملی، امکان دستیابی به اهداف جایگزین های کیفر حبس فراهم می شود. موضع حقوق ایران در زمینه تحدید کیفر حبس و توسعه جایگزین های آن و کم و کاستی ها و مقررات کیفری ایران در خصوص آن و نقد و بررسی آنان را در بخش دوم در بررسی هر یک از جایگزین ها مفصلاً توضیح خواهیم داد که از ابتدای قانونگذاری کیفری در سال ۱۳۰۴ تاکنون تحدید کیفر حبس و جایگزین های آن تحت

تأثیر یافته های جرم شناسی و کیفرشناسی تا چه مورد توجه قرار گرفته است. و بتدریج توسعه و تحولاتی را با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی شاهد بوده است.

مجازات در یک تقسیم بندی برحسب نوعشان طبق م ۱۲ قانون مجازات اسلامی به حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و بازدارنده تقسیم می شوند. در ایران جایگزین حبس تنها در محدوده مجازات تعزیری و بازدارنده قرار می گیرند. با توجه به تعریف مجازات های تعزیری و بازدارنده در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اولاً، اینگونه مجازات ها حتی اگر در قالب جایگزین قرار گیرند، دارای وصف کیفری بوده و در تعریف مورد نظر از جایگزین های کیفر حبس قابل تفسیر می باشند. یعنی قانوناً یا توسط دادگاهها و یا تبع محکومیت و در خارج از نهادهای زندان قابل اجرا می باشند. ثانیاً، مصادیق آنها در موارد فوق الذکر تمثیلی است و دادگاه هر نوع مجازات تعزیری و بازدارنده را می تواند با عنوان جایگزین کیفر حبس در نظر بگیرد. به موجب ماده ۲۲ق.م.ا در مورد تبدیل مجازات های تعزیری و بازدارنده به نوع دیگر که مناسب تر به حال متهم باشد، قاضی دادگاه با احراز شرایط اعلام شده در ماده مذکور، محدودیتی در تعیین جایگزین های مناسب به حال متهم ندارد و انواع مجازات های اصلی یا تبعی و تکمیلی یا محدود کننده آزادی یا سالب حقوق را می تواند به عنوان جایگزین انتخاب کند. در تقسیم بندی دیگر مجازات ها برحسب درجه نشان به مجازات های اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم می شوند.

جایگزین ها ممکن است مستقلاً مجازات اصلی باشند مثل جزای نقدی مقرر در بند ۱ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۲ که به جای کیفر حبس کمتر از ۹۱ صادر می شود یا ممکن است از انواع مجازات های تبعی و تکمیلی باشند که به عنوان مجازات اصلی یا در چارچوب تعلیق به عنوان یک تکلیف خاص به جای حبس در نظر گرفته شود، چنانچه در هر ۲ قانون مجازات جرایم

نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ که در آن برخی از مجازات های ترمیمی ماده ۵ این قانون مثل اضافه خدمت، انفصال موقت از خدمت، تنزیل درجه، کسر حقوق و ... به عنوان جایگزین های حبس در نظر گرفته شده است. همچنین، برخی از مجازات های تعزیری و بازدارنده که در ماده ۱۹ ق.م.ا به عنوان مجازات تبعی و تکمیلی ذکر گردیده‌اند، می توانند به عنوان مجازات اصلی جایگزین حبس شوند مثل محرومیت از حقوق اجتماعی یا منع اقامت در نقطه یا نقاط معین (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، صص ۸۵-۸۴).

البته در لایحه قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۰، قانونگذار فصل نهم از بخش دوم (مجازات ها) را به مجازات های جایگزین حبس طی ۲۳ ماده و ۷ تبصره اختصاص داده است. در ماده ۶۳ لایحه مجازات های جایگزین حبس را به صورت احصایی بیان داشته است و شرایط تعیین و اجرای آن را نیز مواد بعدی بیان داشته است که نقطه عطفی در سیستم تقنینی کشور در راستای حبس زدایی یا محدود کردن استفاده از حبس با استفاده از مجازات های جایگزین می باشد. و قبل از این لایحه، لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان که در ۳۲ ماده و چند تبصره تدوین شده بود که به مرحله تصویب نرسیده بود و در همان مرحله لایحه باقی ماند.

تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی

تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ضمن کاستن از مجازات (نه فقط حبس) برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزینهای حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاهها را تغییر داد.

تبدیل مجازات

و در اصطلاح به تبدیل در لغت بهمعنای دگرگون کردن، بدل کردن، دگرگون سازی است تغییر ماهیت مجازات به مجازاتی که مناسبتر به حال متهم باشد تبدیل مجازات می گویند .

هر چند وصف مناسبتر در قانون تعریف نشده ولی میتوان فهمید که منظور از آن نوعی تخفیف میباشد، البته تخفیفی که مناسبتر به حال بزهکار باشد؛ یعنی در خور و موافق بودن مجازات با وضع و حال محکوم علیه، با این فرض که مجازات قانونی تناسب با خصوصیات او از ندارد پس نهاد تبدیل مجازاتها گامی است در جهت سیاست فردی کردن مجازاتها. (اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۱۴)

جمله تأثیرات قانون کاهش حبس تعزیری تبدیل برخی مجازاتهای مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی می باشد که به شرح ذیل کاهش یا تبدیل می گردند .

الف - مجازات حبس موضوع ماده (۶۱۴) قانون (به استثنای تبصره آن) به حبس درجه شش؛

این بند راجع به ایراد ضرب و جرح عمدی منتهی به نقص عضو یا شکستگی یا مرض دائمی و ... است که مجازات آن از ۲ تا ۵ سال حبس بوده و اکنون به حبس درجه ۶ یعنی ۶ ماه تا دو سال کاهش یافته است .

ب - مجازات حبس موضوع ماده (۶۲۱) قانون، در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیراین صورت به حبس درجه پنج؛ این بند راجع به جرم آدم ربایی است که مجازات آن ۵ تا ۱۵ سال حبس است که مطابق قانون جزا در صورتی که ربایش با عنف یا تهدید باشد مرتکب به حبس درجه ۴ یعنی ۵ تا ۱۰ سال و در غیر این صورت؛ به حبس درجه ۵ یعنی ۲ تا ۵ سال محکوم میشود. توجه داشته باشید

که؛ موارد مشدده در ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت نسخ شده است؛ در حال حاضر تنها در صورتی که آدم ربایی به عنف یا تهدید باشد؛ مجازات آن شدیدتر می شود .

پ - تبصره ماده (۶۲۱) قانون، نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ عمل میشود .

مطابق این بند، تبصره ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت نیز به موجب ماده ۱۵ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری نسخ شده است .

ت - مجازات حبس موضوع ماده (۶۷۷) قانون، در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) (ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده؛ بند مذکور راجع به حبس جرم تخریب یعنی ۶ ماه تا ۳ سال میباشد؛ که تبدیل به جزای نقدی تا دو برابر خسارت وارده میشود و البته این تخفیف زمانی قابل اجرا است که خسارات تخریب وارده حسب نظر کارشناس، بیشتر از ۱۰ میلیون تومان نباشد. شایان ذکر است حتی اگر میزان خسارت بیشتر از ۱۰ میلیون تومان هم باشد، موضوع این ماده از قانون تعزیرات به موجب ماده ۱۱ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ به نصف کاهش یافته است؛ زیرا، این جرم از جرایم قابل گذشت است .

ث - مجازات حبس موضوع ماده (۶۸۴) قانون به حبس درجه شش؛

بند «ث» راجع به ماده ۶۸۴ ق.م.ا.ت یعنی چراندن محصول دیگری و یا تخریب یا خشکاندن باغ نخلستان دیگری که دارای مجازات ۶ ماه تا ۳ سال حبس است؛ به حبس درجه ۶ یعنی ۶ ماه تا ۲ سال حبس تقلیل مییابد .

ج - مجازات موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۹۷) قانون به جزای نقدی درجه شش. بند «ج» راجع به توهین و افترا میباشد، یعنی مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ ق.م.ا.ت که ماده اول به توهین ساده اشاره دارد که دارای مجازات حبس نبوده و

در سابق نیز مجازات توهین ساده جزای نقدی ۵۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال بود؛ که در قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری به جزای نقدی درجه ۶ یعنی ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال تبدیل شده است. ماده دوم به جرم افترا اشاره دارد؛ که حبس از یک ماه تا یک سال را در برداشت که اکنون به جزای نقدی درجه ۶ یعنی به ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال تبدیل شد. قابل ذکر است در بند «ج» ماده ۱ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری به جای «مجازات حبس» تعبیر «مجازات» ذکر شده؛ لذا در مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ دیگر مجازات شلاق قابل اعمال نمیباشد.

تقلیل مجازات

تقلیل مجازات نیز نوعی تبدیل محسوب می گردد؛ بر این اساس، قانون کاهش حبس تعزیری تغییری در تقلیل مجازات نیز داشته است. با توجه به اینکه ماده ۳۷ قانون مجازات مقرر می دارد: « در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسبتر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند: الف - تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب - تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ - تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال ت - تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر «ماده مذکور در قانون جدید بدین شرح اصلاح و یک تبصره نیز بدان الحاق می گردد :

صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه میتواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسبتر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند: تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازاتهای درجه چهار و بالاتر؛ تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات

و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛ تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛

تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛

تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر؛»

تبصره - چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف مییابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل میشود .

همانطور که ملاحظه می گردد، بندهای «الف»، «ب»، «ث» و تبصره الحاقی به ماده ۳۷ ق.م.ا دارای تغییرات و نوآوریهای هستند؛ اما بندهای «پ» و «ت» ماده ۳۷ ق.م.ا دارای تغییراتی نیست؛ مانند سابق به آن عمل می شود . در بند «الف» تخفیف یک تا سه درجه را برای درجات سنگینتر یعنی حبسهای تعزیری درجه چهار و بالاتر در نظر گرفته است. این چهار درجه فقط تا سه درجه قابل تخفیف هستند؛ نه بیشتر و از طرفی حبس سنگینتر به حبس سبکتر تقلیل مییابد و قابل تبدیل به سایر انواع مجازاتها نیست؛ برای مثال، حبس تعزیری درجه چهار و بالاتر قابل تبدیل به جزای نقدی نیست .

در بند «ب» که جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ را در بر میگیرد؛ امکان تقلیل مجازات تا دو درجه وجود دارد؛ همچنین امکان تبدیل حبس درجه ۵ و درجه ۶ به جزای نقدی از همان درجه نیز وجود دارد و دادگاه میتواند حبس تعزیری درجه ۵ و ۶ را تبدیل به جزای نقدی در این دو درجه نماید و نیز حبس درجه ۷ را نیز میتواند به جزای نقدی همان درجه تبدیل کند. بند «ث» در مورد سایر مجازاتهای تعزیری غیر از حبس، دادگاه میتواند در جهت

تخفیف، آنها را یک تا دو درجه پایین آورده و یا به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایینتر (نه دو درجه) درجه تبدیل کند .

در عمل به تبصره اخیرالتصویب چنانچه دادگاه مجازات حبس را به کمتر از ۹۱ روز کاهش دهد، میباید آن را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند. لذا، اگر مجازات درجه ۵ را که میتوانست ۲ تا ۵ سال حبس باشد، با سه درجه تخفیف به ۲ ماه کاهش داد؛ لازم است؛ حکم به مجازات جایگزین حبس صادر کند و این تخفیف جای تعجب ندارد.

تعليق مجازات

سیاست کیفری قانون جدید مبتنی بر پیشگیری از سقوط متهمان و محکومان جزایی در ارتکاب جرم است. بنابراین کیفر زدایی و حبس زدایی، مورد توجه تشکیلات قضایی و تقنینی بوده و می باشد. لذا قانونگذار با ایجاد نهاد تعلیق اجرای مجازات، هدف تعلیق را بدون اجرا ماندن حکم مجازات دانسته و فرصتی را در جهت جبران مافات به بزهکار درچارچوب رعایت شرایط و اصولی اعطاء می نماید. و مراقبتهای پس از صدور آن را به نحو مطلوب می بایستی مطابق قواعد به انجام رساند تا روحیه ی تبهکاری مجرم و جرات او نسبت به ارتکاب جرم محدود شده باشد. به عبارتی رسالت قانونگذار بیشتر در اهداف بلند مدت که عبارت از پیشگیری از وقوع جرم و توجه به فرآیند تربیت و رشدانسان است، متمرکز شده است. تا به هدف نهایی خود که همانا حفظ نظم و برقراری امنیت در جامعه و صیانت از حقوق افراد می باشد، نایل گردد. لذا تعلیق اجرای مجازات بعنوان راهکاری جهت جلوگیری از سلب آزادی، سلب خلاقیت، سلب امکان کار و کسب درآمد از متهمان و مجرمین اتفاقی و فاقد سوء سابقه وارد می شود و از ضربه ی مهلکی که به فرد در نتیجه انقطاع ارتکاب خانوادگی، اجتماعی و تعلیق مجازات عبارت از این است که اجرای تمام شغلی وارد می گردد، جلوگیری می کند .

یا قسمتی از مجازات در مورد محکوم لیه با شرایط خاصی معلق شود. بر این اساس، دادگاه صادرکننده حکم اجرای مجازات مذکور در دادنامه را با توجه به شرایطی و برای مدتی معین و به منظور اصلاح و تربیت مجرم به تاخیر می‌اندازد. امروزه، تعلیق اجرای مجازات، به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین یا مجازات‌های بینابینی، مطرح است. برای اجرای تعلیق مراقبتی، بسیاری از کشورها با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب، قدم‌های موثری را در راه اصلاح بزهکاران غیر خطرناک برداشته‌اند. در کشور ما نیز از اوایل قرن حاضر ایده تعلیق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرد. لیکن متأسفانه علی‌رغم گذشت هشت دهه از تاریخ تصویب آن، هیچ نهاد متناسبی برای ساماندهی و نظارت بر امر تعلیق مجازات به وجود نیامده است. این کمبود در عمل دادگاه‌ها را به صدور قرارهای ساده متمایل کرده و نوعاً در قضات اشتیاقی برای صدور تعلیق مراقبتی مشاهده نمی‌شود. متأسفانه رویه قضایی کشور ما با نهاد تعلیق مجازات، برخورد جدی ندارد و در عمل از آن صرفاً به عنوان یکی از روش‌های تخفیف مجازات، استفاده می‌کند و بر این اساس حساسیت لازم در قضات برای رعایت شرایط قانونی تعلیق، مشاهده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

هر چند مجازات حبس از عهد کهن و باستان وجود داشته است و از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام‌های کیفری بسیاری از کشورها مورد توجه بوده است و در واقع توسل به مجازات حبس به منزله جایگزینی برای مجازات‌های شدید بدنی مثل اعدام بوده است. حتی پیش از ظهور دین مبین اسلام نیز مجازات حبس به عنوان یک ضمانت اجرای کیفری وجود داشته است. با پیدایش مکتب اثباتی در پایان سده نوزدهم و تأکید بر ضرورت استفاده از اقدامات تأمینی به جای مجازات، رفته رفته نگرش‌های انتقادی نسبت به مجازات حبس مطرح گردیده است. لکن زندان به منزله محلی برای اصلاح و درمان و بازپروری مجرم در نیمه

دوم سده بیستم و دهه های ۷۰ و ۸۰ مورد انتقاد شدید جرم شناسان و حقوقدانان اروپایی و آمریکایی قرار گرفت. علت این انتقادات و ایرادات، ناکارآمدی مجازات حبس در برآوردن رسالت و اهدافش بوده است. مجازات سالب آزادی به دلایل ذیل از لحاظ عملی با بحران و شکست مواجه شده است:

اولاً، مجازات حبس در بحث ارباب و بازدارندگی (پیشگیری عام و خاص) و اصلاح و بازپروری مجرمان موفق نبوده است. زیرا، آمارها بیانگر آن است که بخشی از جمعیت کیفری زندان را افرادی تشکیل می دهند که مجدداً مرتکب جرم شده اند (یعنی پس از آزادی از حبس، مرتکب جرم مستوجب مجازات حبس گردیده اند) به عبارت دیگر بخشی از جمعیت زندان را تکرار کنندگان جرم تشکیل داده اند.

ثانیاً، به لحاظ مشکلات و ایرادات شکلی و عملی که مهمترین آنها عبارتند از جرم زا بودن محیط زندان، تراکم جمعیت کیفری و کمبود فضای مناسب در زندان، اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی و از بین رفتن حس مسئولیت و متجری شدن اکثر مجرمین آزاد شده از زندان و مشکلات دیگری از قبیل ضعف امکانات عدم تفکیک زندانیان از بازداشتی ها، کافی نبودن تعداد زندانی ها که این معایب و ایرادات بحث شده است

مجازات های جایگزین حبس یا مجازات های اجتماعی که از مدتی قبل تا کنون به عنوان موج گسترده ای جامعه جهانی را دربرگرفته است. هدف از اجرای آن در واقع از بین بردن معایب و مشکلاتی است که برای مجازات حبس برشمردیم و علاوه بر اهداف کلی مجازاتها که در همه مجازات ها از جمله مجازاتهای جایگزین حبس مشترک می باشد اما هدف اصلی مجازات جایگزین حبس بحث اصلاح و بازپروری فرد مجرم و بازگشت او به جامعه به عنوان فردی از اجتماع می باشد که چنانچه این هدف میسر شود بسیاری از مشکلات ناشی از ارتکاب جرم که دامنگیر اجتماع می باشد از بین خواهد رفت و یا کم خواهد شد. چرا که ارتکاب جرم توسط مجرم آثار مخرب و زیانباری را برای جامعه به دنبال دارد و خود مجرم و خانواده او در واقع قربانیان اصلی این تراژدی می

باشند و اعمال مجازات برای جبران این زیانها می باشد هرچند که در برخی موارد مثل مجازاتهای سالب حیات، رسیدن به این اهداف با از بین بردن فرد مجرم میسر می شود و یا درخصوص جرایم خشونت بار و مهم، توسل به مجازات حبس یا مجازاتهای بدنی دیگر مثل شلاق یا غیره اهرمی برای جبران خسارت ها و زیانهای وارده به شخص بزه دیده و جامعه می باشد.

اما در خصوص جرایم کم اهمیت تر و متوسط، اعمال مجازات حبس، عواقب ناگواری را برای فرد مجرم و خانواده او و اجتماعی که قبل از ارتکاب جرم در آن بوده و بعد از ارتکاب جرم می بایست مجدداً به آن برگردد، دارد. مهمترین اثرات آن طرد فرد زندانی از جامعه می باشد و بعد از آزادی از زندان، با مهر زندانی که بر پیشانی فرد خورده است، فرصت شروع دوباره زندگی را از دست خواهد داد و اعتماد و اطمینان مردم نیز برای بودن در کنار وی یا همکاری و غیره سلب خواهد شد. اعمال مجازات حبس در این گونه موارد آتشی است که دودش تا مدتها به چشم خود فرد و خانواده اش و جامعه می رود. اما مجازاتهای جایگزین حبس با هدف برگرداندن فرد مجرم و خطاکار به جامعه و در میان مردم جهت جبران خطا و اشتباهش می باشد تا با امید دوباره و با مساعدت و مشارکت مردم جامعه، مجدداً یک زندگی پاک را شروع کند و البته در این اثنا از شخص بزه دیده و جامعه نیز جبران خسارت بعمل آورد. اهداف اصلاحی و تربیتی مجازاتهای جایگزین حبس موثرتر از مجازات حبس می باشد. تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ضمن کاستن از مجازات (نه فقط حبس) برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزینهای حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاهها را تغییر داد. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری گامی در جهت تغییر، تبدیل، تخفیف، تعلیق مجازات

حبس و در راستای کم کردن جمعیت کیفری زندانها است. با اجرایی شدن این قانون و انقلاب تقنینی ساختار درجات هشت گانه مجازات حبس تغییر کرده است کسانی که اکنون در زندانها به سر می‌برند؛ نیز مشمول برخی از مواد این قانون مثل ماده (۸) (اصلاح ماده ۵۷) و ماده (۹) (اصلاح ماده ۶۲) می‌شوند. همچنین برخی جرایم قابل گذشت اعلام شده اند و یا مجازات برخی از جرایم تغییر نموده؛ که این امر، امکان درخواست تخفیف برای زندانیها به وجود آورده است. محکومین به حبس در جرایم قابل گذشت می‌توانند با اخذ اعلام گذشت از شاکی از امتیازات این قانون بهره‌مند شوند و پرونده آنها در اجرای احکام مختومه خواهد شد. مواد قانونی که در این قانون نسخ شده است عناوین مجرمانه از آنها زائل خواهد شد و در صورتی که پرونده در حال رسیدگی باشد مختومه خواهد شد و یا اینکه در اجرای احکام باشد فاقد لزوم اجرا خواهند بود و در صورتی که حتی اجرا شده باشند نیز محکومیت آن افراد از سجل آنها محو خواهد شد.

منابع

- ۱- آخوندی، م، ۱۳۸۶، آئین دادرسی کیفری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آخوندی، م، ۱۳۸۴، آیین دادرسی کیفری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- آشوری، م، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران: نشر گرایش.
- ۳- آنسل، م، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- اردبیلی، م، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
- ۵- اسدی، ا، ۱۳۸۵، پیش به سوی جایگزین های نوین: نقدی بر مجازات حبس، انتشارات کوهسار.

۶- بکاریا، س، ۱۳۷۴، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران : انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.

۷- بولک، ب ، ۱۳۸۴، کیفرشناسی، ترجمه‌ی : نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجده.

۸- بینا، بیتا، خدمات عام المنفعه، جایگزینی بر مجازات حبس، ترجمه‌ی : سازمان اصلاحات جزایی بین المللی (PRI)، تهران، نشر وفاق.

۹- بینا، ۱۳۸۰، تبدیل مجازات های حبس به جزای نقدی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱۰- بینا، ۱۳۸۰، مجازات زندان و لزوم تجدیدنظر در آن، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱۱- پرادل، ژ، ۱۳۸۱، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه‌ی : علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت.

۱۲- پورهاشمی، ع، ۱۳۸۳، زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی، تهران : معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم.

۱۳- حاجی تبار فیروزجایی، ح، ۱۳۸۶، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، تهران : انتشارات فردوسی.

۱۴- حسینی، م، ۱۳۸۵، فرهنگ و لغات و اصطلاحات فقهی، تهران : نشر سروش.

۱۵- دهخدا، ع، ۱۳۷۲، لغت نامه ، تهران : موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶- راوندی، م، ۱۳۶۸، سیر قانون و دادگستری در ایران، تهران : نشر چشمه.

۱۷- رائیجیان اصلی، م، ۱۳۸۴، بزه‌دیده شناسی حمایتی، تهران: نشر دادگستر.

۱۸- زراعت، ع، ۱۳۸۰، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات (حقوق جزای عمومی)، تهران : انتشارات ققنوس.

۱۹- صانعی، پ، ۱۳۷۲، حقوق جزای عمومی، تهران : گنج دانش.

- ۲۰- صفاری، ع، ۱۳۸۶، کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل.
- ۲۱- طباطبایی مؤتمنی، م، ۱۳۸۲، آزادی های عمومی حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- علی آبادی، ع، ۱۳۸۵، حقوق جنایی، تهران، نشر فردوسی.
- ۲۳- کریستین سن، آ، ۱۳۶۷: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی: رشید یاسمی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۲۴- گلدوزیان، ا، ۱۳۸۵، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، تهران: نشر میزان.
- ۲۵- گودرزی، م، ۱۳۸۵، سیاست جنایی قضایی، تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه.
- ۲۶- محدث، م، ۱۳۸۸، مقایسه تطبیقی تاثیر مجازات زندان «با مجازات های جایگزین و پیشگیری از تکرار جرم»، نشر موسسه فرهنگی نگاه بینه.
- ۲۷- محمدی، د، ۱۳۸۴، مجازات های جایگزین، نقدی بر کیفر زندان- چالش ها و راهکارها، انتشارات عود.
- ۲۸- محمودی، ع، ۱۳۷۷، تاثیر زندان بر زندانی (آسیب شناسی اجتماعی)، انتشارات نور.
- ۲۹- مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۷، زندان زدایی و نگاهی نو به زندان و زندانی، تهران: حوزه ریاست قوه قضائیه.
- ۳۰- معلوف، ل، ۱۳۶۲، المنجد فی اللغه و الاعلام، تهران: نشر اسماعیلیان.
- ۳۱- ملک اسماعیلی، ع، ۱۳۵۵، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۲- میرمحمد صادقی، ح، ۱۳۸۶، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان.
- ۳۳- نجفی ابرند آبادی، ع، ۱۳۸۴، کیفرهای جامعه مدار، دیپاچه در کیفرشناسی، برنار بولک، انتشارات مجد.
- ۳۴- نجفی ابرند آبادی، ع؛ هاشم بیگی، م، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.

۳۵- نجفی ابرندآبادی، ع، ۱۳۸۵، کیفرهای جامعه مدار، دیپاچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، تهران، انتشارات مجد.

۳۶- نفیسی، ع، ۱۳۵۵، فرهنگ فارسی، تهران: کتاب فروشی خیام.

۳۷- نوربها، ر، ۱۳۸۶، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: نشر دادآفرین.

۳۸- هامایی، ک و همکاران، ۱۳۷۷، تعلیق مراقبتی در دنیا(پژوهشی- تطبیقی)، ترجمه‌ی حسین آقائی‌نیا، نشر میزان.

ب- مقالات و مجلات

۱- آشوری، م، ۱۳۸۵، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.

۲- آشوری، م، ۱۳۷۶، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، جلد اول، انتشارات کتابخانه گنج دانش.

۳- آقایی نیا، ح، ۱۳۸۱، بررسی نظام تعلیق مراقبتی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین همایش بین المللی بررسی راههای جایگزین مجازات حبس، انتشارات راه تربیت.

۴- ایولاسال، ژ، ۱۳۷۹، جایگزین های سالب آزادی و برآورد ترازنامه اجرای آنها در حقوق فرانسه، ترجمه‌ی: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۵- پی ناتل، ژ، ۱۳۶۵، کیفرهای جانشین و جرم شناسی، ترجمه‌ی: علی حسین نجفی ابرندآبادی، فصلنامه حق، شماره ۶.

- ۶- تدین، ع، ۱۳۸۵، نظارت الکترونیک گامی به سوی جایگزین های زندان، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.
- ۷- ترنر، س؛ پتر سیلیا، ج؛ پیپر دشنز، ا، ۱۳۸۷، ارزیابی برنامه نظارت فشرده برای بزهکاران مواد مخدر در تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط، ترجمه مهرداد رائیجیان اصلی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.
- ۸- داودی گرمارودی، ه، ۱۳۸۵، اندیشه ها و عوامل موثر بر حجم جمعیت کیفری، مجموعه مقالات، همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان.
- ۹- رستمی، ع، ۱۳۸۳، تحلیلی بر عوامل تاثیرگذار زندان بر زندانی، ماهنامه سیمرخ، شماره ۳.
- ۱۰- شهیدزاده، ژ، ۱۳۸۵، راهکارهای کاهش جمعیت کیفری ها زندان با تکیه بر قرار کفالت، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.
- ۱۱- صفاری، ع، ۱۳۸۳، درآمدی بر جرم شناسی انتقادی و انواع آن، مجموعه مقالات علوم جنایی (در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت.
- ۱۲- صفاری، ع، ۱۳۸۴، کیفرشناسی و توجیه کیفر، مجموعه مقالات علوم جنایی (ستاد مبارزه با مواد مخدر)، انتشارات سلیل.
- ۱۳- گودرزی، م، ۱۳۸۲، نارسائیهای زندان، مجله تخصصی دانشکده علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰ و ۹.
- ۱۴- مرکز مطالعات راهبردی و توسعه قضائی شورای عالی توسعه قضائی (کمیسیون سیاست جنائی و اصلاح قوانین کیفری-کمیته سیاست کیفری)، بخش توجیهی لایحه مجازات های اجتماعی، ۸۴-۱۳۸۳.
- ۱۵- معظمی، ش، ۱۳۸۵، جانشین های مجازات زندان برای زنان، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.

۱۶- منصورآبادی، ع، ۱۳۸۵، زندان؛ راه حل یا مشکل، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.

۱۷- منصورپوری طهرانی، نسیم، ۱۴۰۰، تاثیر قانون کاهش مجازات های تعزیری در خصوص محکومان و کاهش جمعیت کیفری زندان ها، پنجمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان

۱۸- میرشمس شهبهانی، م، ۱۳۸۵، خدمات عمومی ارائه شده مجرمان در استرالیا، غربی، مجموعه مقالات، همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.

۱۹- میرمحمدصادقی، ح، ۱۳۸۱، گزارش کوتاه همایش، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین همایش بین المللی بررسی راههای جایگزین حبس، چاپ اول، انتشارات راه تربیت.

۲۰- مهر، ن، ۱۳۸۲، عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲۱- نجفی ابرندآبادی، ع، ۱۳۸۵، مجازات های جامعه مدار در لایحه قانون مجازات های اجتماعی جایگزین زندان، راهکاری برای کاهش جمعیت زندان، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان.

۲۲- نجفی ابرندآبادی، ع، ۱۳۸۲، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، شماره های ۹ و ۱۰.

۲۳- نجفی ابرندآبادی، ع، ۱۳۷۵، سیاست های جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲۴- نیازپور، ا، ۱۳۸۷، محرومیت از حقوق اجتماعی در لایحه «مجازات های جایگزین زندان»، جلوه ای از

کارکرد توان‌گیرانه کیفرهای اجتماع محور، مجله حقوقی دادگستری، شمار ۶۴، قوه قضائیه.

۲۵- یکرنگی، م؛ ایرانمنش، م، ۱۳۸۷، کیفرهای اجتماع محور: از نظریه تا عمل با تاکید بر پیش نیازهای اعمال

کیفرهای اجتماع محور در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.